



عن عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

﴿لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ لَطَبُوهُ وَ لَوْ بَسَفَكَ الْمُهْجَ وَ خَوْضِ اللَّجَجِ﴾

الكافي، جلد ۱، صفحه ۳۵

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی،
وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

توسعه در معنای لغوی عبادت

شناسنامه مطلب	
e-l-17	کد مطلب
لغت/معنای حقیقی	موضوع
اصول فقه / حقیقت و مجاز	موضوع مرتبط
علمی/ادبیات عربی/لغت/کمک آموزشی / مثال و تطبیق	رده
وضع، حقیقت و مجاز، قضاوت اسلامی، غرب، عبادت، امام خامنه ای، علامه طباطبائی(ره)	برچسب
-	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

امام خامنه‌ای مدظله العالی در خصوص عدم پذیرش شیوه‌ی قضایی غربی می‌فرماید:

«حاکمیت احکام و ارزشها و ملاکها و معیارهای اسلامی است، که قویترین و متقنترین و محکمترین ملاک و معیار برای اداره‌ی یک مجموعه‌ی قضایی است. نباید در مقابل جنجال مخالفان و دشمنان و کسانی که هر نقطه‌ی مثبتی هم در جامعه‌ی اسلامی باشد، مورد انتقاد قرار می‌دهند، دچار انفعال بشویم. فرهنگ غربی، شیوه‌ی قضایی اسلامی را قبول ندارد؛ ما هم شیوه‌ی قضایی آنها را قبول نداریم؛ «وَلَا أَنتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ»^۱ آنها حاضر نیستند موازین قضایی مبتنی بر ارزشهای اسلامی را درک کنند و بفهمند. اصلاً فرهنگ غربی اجازه نمی‌دهد که کسی ارزش بین و قسم و حد و تعزیر و دیگر معیارهای قضایی اسلام را درک کند و بفهمد.»^۲

اگر در عبارت دقت کنیم، می‌یابیم که معظم له، در واژه «عبادت» توسعه داده اند.

شیوه قضایی، یکی از مصادیق «عبادت» محسوب شده است. **انس و عادت انسان با محسوسات**، غالباً موجب می‌شود که الفاظ را بر معانی محسوس، حمل کند و اجازه نمی‌دهد که معنای حقیقی واژه را دریابد. البته منظور از توسعه، توسعه مجازی نیست؛ بلکه تأمل در معنای حقیقی، موجب می‌شود تا معنای واژه نسبت به آنچه در ذهن ماست، وسیعتر شود.

علامه طباطبایی (ره) در این زمینه می‌فرماید:

«أَنَّ الْإِنْسَانَ وَالْعَادَةَ (کما قيل) يوجبان لنا أَنْ يسبقَ إِلَى أَذْهَانِنَا عِنْدَ اسْتِمَاعِ الْأَلْفَاظِ مَعَانِيهَا الْمَادِيَةِ أَوْ مَا يَتَعَلَّقُ بِالْمَادَةِ فَإِنَّ الْمَادَةَ هِيَ الَّتِي يَتَقَلَّبُ فِيهَا أَبْدَانُنَا وَقَوَانَا الْمُتَعَلِّقَةُ بِهَا مَا دَمْنَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَوِيَّةِ، فَإِذَا سَمِعْنَا أَلْفَاظَ الْحَيَاةِ وَالْعِلْمِ وَالْقُدْرَةِ وَالسَّمْعِ وَالْبَصَرِ وَالْكَلَامِ وَالْإِرَادَةِ وَالرِّضَا وَالْغَضَبِ وَالْخَلْقِ وَالْأَمْرَ كَانَ السَّابِقَ إِلَى أَذْهَانِنَا مِنْهَا الْوُجُودَاتُ الْمَادِيَةِ لِمَفَاهِيمِهَا. وَكَذَا إِذَا سَمِعْنَا أَلْفَاظَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَاللُّوحِ وَالْقَلَمِ وَالْعَرْشِ وَالْكَرْسِيِّ وَالْمَلِكِ وَأَجْنَحَتَهُ وَالشَّيْطَانَ وَقَبِيلَهُ وَخَيْلَهُ وَرَجُلَهُ إِلَى غَيْرِ ذَلِكَ، كَانَ الْمُتَبَادِرُ إِلَى أَفْهَامِنَا مَصَادِيقُهَا الطَّبِيعِيَّةِ. وَإِذَا سَمِعْنَا: أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْعَالَمَ وَفَعَلَ كَذَا وَعَلِمَ كَذَا وَأَرَادَ أَوْ يَرِيدُ أَوْ شَاءَ أَوْ يَشَاءُ كَذَا قِيدْنَا الْفِعْلَ بِالزَّمَانِ حَمَلًا عَلَى الْمَعْهُودِ عِنْدَنَا.

۱ - سوره کافرون، آیه ۳ و ۴

۲ - بیانات در تاریخ ۱۳۶۸/۴/۷

و إذا سمعنا نحو قوله: «وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ الْآيَةِ» و قوله: «لَا تَخْذَنَاهُ مِنْ لَدُنَّا الْآيَةِ» و قوله: «وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ الْآيَةِ». و قوله: «إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ الْآيَةِ». قیدنا معنی الحضور بالمكان.

و إذا سمعنا نحو قوله: «إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا الْآيَةِ» أو قوله: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ الْآيَةِ» أو قوله: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ الْآيَةِ»، فهمنا: أن الجميع سنخ واحد من الإرادة، لما أن الأمر على ذلك فيما عندنا، و على هذا القياس. و هذا شأننا في جميع الألفاظ المستعملة، و من حقنا ذلك، فإن الذي أوجب علينا وضع ألفاظ إنما هي الحاجة الاجتماعية إلى التفهيم و التفهم، و الاجتماع إنما تعلق به الإنسان ليستكمل به في الأفعال المتعلقة بالمادة و لواحقها، فوضعنا الألفاظ علائم لمسمياتها التي نريد منها غايات و أغراضا عائدة إلينا. ١

بنابراین نباید واژه «عبادت» را بر معنای معهود در ذهن - که عبارت است از یک سری اعمالی که بیانگر ارتباط انسان با خدا - حمل کرد.

چنانکه می بینیم در بیان امام خامنه‌ای مدظله العالی، از واژه «عبادت»، معنای «شیوه قضایی» استفاده شده است.